

Iran is a multicultural country and its ethnic and linguistic

Abstract

Iran is a multicultural country and its ethnic and linguistic diversity is one of the prominent features of this country. Khuzestan province is historically one of the oldest regions of the country and has long had a brilliant civilization and culture. In addition, this diversity The ethnic group in this province has turned it into a crossroads of different cultures, which, while interacting, have maintained their own expression. Knowing the culture and civilization of each nation is the best and clearest way to build their future. Demonstrating the customs and culture of different ethnic groups can play an important role in explaining the culture of these ethnic groups and regions, so the need to implement the policies of the central government during the presidency of different parties should be implemented in a fair manner. And the performance of the governments of the Islamic Republic of Iran in relation to the minorities of Khuzestan province (the eight-year period of Dr. Ahmadinejad's presidency as a principled government) is a method of applied research and qualitative methodology and semi-open interviews by the statistical community. Experts include teachers of Shatasi ethnic group in Khuzestan province, Executive managers and heads of tribes, etc. have been done and the amount of 16 components in question has been analyzed

Keywords: politics and practice, minorities of Khuzestan province, fundamentalists

سیاست و عملکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اقلیت‌های استان خوزستان (دوره هشت ساله ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد به عنوان دولتی اصولگرا)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۸

علی عیدی شیخ رباط^۱

عبدالرحمن حسنی فر^۲

محمدسالار کسرائی^۳

علی اکبر امینی^۴

چکیده:

ایران جزء محدود کشورهایی است که از تنوع قومی و زبانی برخوردار بوده و از این حیث منحصر به فرد می‌شد این تنوع در نقاط مختلف کشور وجود دارد از جمله در استان خوزستان که این استان یکی از کهن‌ترین مناطق به حساب آمده که ضمن حفظ نوعی وحدت در عین کثرت، تنوع قومی موجود آن را به محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف تبدیل کرده که در عین تأثیرپذیری متقابل نمود خاص خود را نیز حفظ کرده اند شناخت فرهنگ و تمدن هر ملت بهترین و روشن‌ترین راه برای ساختن آینده آنهاست از سویی دیگر جمع‌آوری و به نمایش گذاشتن اداب و رسوم و فرهنگ اقوام مختلف می‌تواند نقش مهمی در تبیین فرهنگ این اقوام و منطقه ایفا کند بنابراین نیاز به اجرای سیاست‌های دولت مرکزی در زمان ریاست جمهوری احزاب مختلف بایستی به شیوه‌ای عادلانه اجرا گردد. هدف از این مطالعه بررسی سیاست و عملکرد دولت‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با اقلیت‌های استان خوزستان (دوره هشت ساله ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد به عنوان دولتی اصولگرا) می‌باشد، روش تحقیق کاربردی و از حیث روش‌شناسی به صورت کیفی و انجام مصاحبه‌های نیمه‌باز توسط جامعه‌آمار‌ی‌خبرگان شامل اساتید قوم‌شناسی استان خوزستان، مدیران اجرایی و روسای اقوام و... صورت پذیرفته و میزان مولفه‌های ۱۶ گانه مورد نظر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: سیاست و عملکرد، اقلیت‌های استان خوزستان، اصولگراها

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسایل ایران، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

^۳ دانشیار، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

^۴ استادیار، گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

در نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی به مثابه میثاق ملی و عالی ترین سند راهبردی و مهمترین سند حقوقی-سیاسی در خصوص موضوعات مربوط به سیاست‌ورزی در همه‌ی امور از جمله خرد و کلان بوده و به نوعی نقش رهبری در انجام فعالیت‌ها و امور ایفاء می‌کند. بر اساس مواد پانزده و نوزده این قانون ضمن پذیرش تنوع و تکثر قومی در کشور، اجازه و امکانیت استفاده از زبان و فرهنگ قومی و منطقه‌ای بخصوص در وسایل ارتباط جمعی از جمله رسانه‌ها و همچنین تدریس این زبان‌ها در مراکز آموزشی رسمی از جمله دانشگاه‌ها برای همه فارغ از رنگ، نژاد و زبان تاکید کرده است. در واقع این اصول با اشاره به تنوع «قوم و قبیله» در ایران، همه آنها را فارغ از رنگ و نژاد، زبان و غیره برخوردار از حقوق مساوی به حساب آورده است. که همگی نشانگر جایگاه مورد توجه اقوام در ساختار فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حکومت می‌باشد. استان خوزستان نیز در کنار سایر تنوع‌های فرهنگی، قومی و هویت‌های متفاوت کشور از این امر مستثنی نیست. مردمان ساکن در این خطه نیز بدلیل شرایط بد آب و هوایی و شرایط به وجود آمده و ناشی از هشت سال جنگ و دفاع مقدس خواستار توجه و کسب سهم خود حسب قوانین موجود کشور می‌باشند. این امر گاه در دولت‌های اصولگرا و اطلاع طلب مطابق رویکردهای آنها در دستورکار قرار گرفته و گاه کمرنگ تر بوده که همین عدم نگاه مبتنی بر توسعه پایدار، زمینه بروز مشکلات و اختلاف آراء را فراهم نموده و چالش‌های فراوانی ایجاد کرده است.

این در حالی است که در قانون اساسی عمدتاً بر وحدت و همچنین فراهم نمودن شرایطی که در آن همه اعم از حکومت و همه گروه‌ها به هگرایی رسیده و در این راستا بتوانند بر اختلافات و چالش‌های تفرقه افکنانه غلبه نمایند به گونه‌ای که اصول مندرج در قانون اساسی عام، جامع و کلی بوده و تبعاً در مقام اجرا و تهیه و تدوین آن، نکات باریکی همچون نیازمندی‌ها و مطالبات تمامی اقوام و استان‌های کشور در نظر گرفته شده است. حال آنکه برخی از تحرکات قومی و بحران‌هایی که در سال‌ها گذشته در این منطقه روی داده است اغلب ناشی از افزایش سطح مطالبات مردم در جهت رفع محرومیت‌ها و مشکلات زیست محیطی در این خطه بوده است. پس از انقلاب و بویژه در سال‌های اخیر در تدوین سیاست‌های کلان و بخصوص در مواجهه با اقوام، تغییراتی در جهت حفظ وحدت و انسجام ملی و تمامیت ارضی ایجاد شده است. از این رو، در فرآیند تدوین قوانین، مصوبات و دستورالعمل‌ها به حفظ وفاق و همبستگی اجتماعی، توجه به ملی‌گرایی و عوامل و عناصر وحدت آفرین، وجوه اشتراکات قومی و ملی به منظور تبدیل گفتمان همزیستی مسالمت‌آمیز در کانون توجه قوای مقننه و مجریه قرار گرفته است.

مطابق قانون برنامه چهارم توسعه و ضمن تاکید بر موارد پیشین همچون اجتناب از دولتی نمودن مسائل فرهنگی، ایجاد فضای مناسب برای فعالیت و مشارکت همگان و در عین حال تلاش در تغییر کارکرد دولت

از سیاست ورزی در امور فرهنگی به کارکرد هدایت گری و نظارتی در مسائل فرهنگی است که این موضوع خود حکایت از تغییر رویکرد امت محور به رویکرد ملت محور می‌باشد. این امر در واقع نشان و نمادی از سیاست پلورایستی، همگرایی دینی، تلاش در راستای کاهش فقر و محرومیت از مناطق کمتر توسعه یافته همانند خوزستان است، که هنوز نیاز به آبادانی پس از جنگ در آن مشهود می‌باشد. در بخش سیاست‌های راهبردی توسعه فرهنگی نیز اهداف و برنامه‌ها در محورهایی همچون ترویج مفاهیم وحدت آفرین، ارتقای کیفیت و استانداردهای در جهت استفاده همه‌ی مناطق کشور از کلیه امکانات با ضرورت ایجاد تعادل و عنایت به ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، جمعیتی و جغرافیائی هر یک از نقاط کشور نسبت به طوایف و قومیت‌های متفاوت و متکثر در هویت ملی (بحث اصل صدم قانون برنامه و تبصره ۵۷ قانون برنامه دوم توسعه) مدنظر می‌باشد. که در ادامه آن شکل دهی و ساختارمند نمودن پتانسیل‌های فرهنگی بر اساس موقعیت، جغرافیا، خصوصیات و همچنین نشان دادن هویت ملی به همراه توجه به زبان‌ها، لهجه‌ها و سنن به همراه مولفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ ملی و محلی موضوع اصول (۱۰۹ و ۱۵۵) ملاک عمل می‌باشد.

مطالبات استان خوزستان حول موضوعاتی همچون تلاش به منظور مشارکت بیشتر در سیاست کلان کشور و کسب سهم بیشتر از توزیع قدرت، احترام به آداب و رسوم و گویش‌های آنان و رفع معضلات زیست محیطی همچون مقابله با ریزگردها و جلوگیری از طرح غیرکارشناسی انتقال آب از دولت‌های اخیر بوده است که گاه این دولت‌ها بصورت موردی فقط به بخش‌هایی از آنها پرداخته‌اند. یکی از راه‌های رفع این معضلات می‌تواند اجرای برنامه‌هایی همچون سرمایه گذاری در جهت توسعه کار و اشتغال باشد. باید اذعان نمود اجرای ناقص پروژه خصوصی‌سازی در این منطقه بر مشکلات گذشته افزوده است در همین رابطه آقای نویخت بعنوان رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در نشست شورای اقتصادی در استانداری خوزستان اظهار نمود: مردم خوزستان در زمینه‌های مختلف به خصوص اقتصادی و اجتماعی مشکلاتی دارند و وظیفه ماست که برای کاهش این مشکلات تلاش نموده و خواهان توجه ویژه مسئولین و دولت به این استان به جهت عدالت و استحقاق، در مقایسه با دیگر استان‌ها می‌باشیم (خبرگزاری خانه ملت ۹۷/۲/۲۱).

۲. چهارچوب نظری:

توسعه سیاسی، فرایند پیچیده‌ای است که در آن عوامل گوناگونی دخیلند و هر اندیشمندی برحسب نوع گرایش، میزان آگاهی و دلایل دیگری از این قبیل، بعد یا ابعادی از این فرایند پیچیده را مورد توجه قرار داده است. برای مثال، ساموئل هانتینگتون معتقد است چهار شاخص اصلی توسعه سیاسی عبارتند از:

- ۱- جایگزین شدن اقتدار سیاسی سنتی، مذهبی، قومی و خاندانی با اقتدار سیاسی دنیوی و ملی واحد (معقول شدن اقتدار سیاسی)
- ۲- تمایز کارکردهای سیاسی نوین از قدیم و رشد ساختارهای مربوط به کارکردهای جدید، کامل‌تر و پیچیده‌تر و منضبط‌تر شدن سلسله مراتب اداری

۳- مشارکت هر چه بیشتر گروه‌های اجتماعی

۴- توانایی بالای نظام سیاسی برای رسیدن به اهداف خود» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵۶-۵۵)

آثار نوشته شده در زمینه توسعه سیاسی از لحاظ روش متفاوت بوده و شامل مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی در آثار آیزنشتات، بندیکس و راث؛ تحلیل‌های به سبک پارسونز در آثار ساتن و ریگز؛ مطالعات آماری به سبک نئوبایر، مک‌کرون و کنود؛ روش‌های روان‌شناختی مثل مک‌لاند؛ و مدل انتخاب عقلانی به سبک هارسانی و پاپکین است (هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۴۵۳).

۲-۱ عوامل و انگیزه‌های توسعه سیاسی:

عوامل و انگیزه‌های گوناگونی در طرح تئوری‌های توسعه سیاسی و روند نوسازی مؤثر بودند که می‌توان به پاره‌ای از آنها در زیر اشاره کرد:

- ۱- استقرار نظام دو قطبی و کشمکش میان دو اردوگاه سوسیالیسم و سرمایه‌داری،
- ۲- گسترش روزافزون جنبش‌های سوسیالیستی، احزاب کمونیست در جهان سوم و کشورهای سرمایه‌داری اروپا و نیز استقرار دموکراسی‌های توده‌ای در سرزمین‌های اروپای شرقی،
- ۳- جنبش مکارتیسم در ایالات متحده آمریکا،
- ۴- روند رو به افزایش نهضت‌های رهایی‌بخش و جنبش‌های استقلال‌طلبانه در مستعمرات،
- ۵- افزایش و روند رو به گسترش تعداد واحدهای مستقل سیاسی در سرزمین‌های جهان سوم،
- ۶- شکل‌گیری جنبش عدم تعهد و برهم زدن سیستم موازنه دلخواه قدرت‌های بزرگ». (قوام، ۱۳۷۰: ۶۰)

۲-۲ توسعه سیاسی در انقلاب اسلامی ایران:

در ادوار سیاسی جدید جمهوری اسلامی ایران، مقوله توسعه سیاسی با آسیب‌ها و چالش‌های مختلفی روبرو است. منشأ یکی از چالش‌های اساسی آن، درک نادرست از نسبت توسعه سیاسی با سیاست مدرن است. در واقع اگر تعریف درست و معناداری از رابطه این دو مقوله نشود، ممکن است بین طرفداران توسعه سیاسی با کارگزاران سیاست، منازعه و معارضه به وجود آید و آثار و پیامدهای ناگوار آن، علاوه بر کارگزاران این دو حوزه، دامن جامعه را نیز فراگیرد. «منازعه این دو گروه، پیش و بیش از هر چیز، به برداشت نادرست از کار ویژه و اهداف مربوطه آن‌ها بازمی‌گردد و این چنین وضعیتی، گریبان هر جامعه‌ای را بگیرد، زمینه‌ساز بحران‌های جدی در آن جامعه خواهد شد. معمول مطلوبیت و هدف اول توسعه سیاسی، دستیابی به آرمان‌های فردی همچون آزادی و حقوق مدنی است، درحالی‌که مطلوبیت و هدف اول سیاست، دستیابی به اهداف ملی همچون منافع ملی، وحدت ملی و امنیت ملی که همگی عناصر تشکیل‌دهنده هدف عالی سیاست مدرن یعنی قدرت ملی است، هست. بر همین اساس کارگزاران این دو حوزه یعنی سیاستمداران که کار ویژه آن‌ها دستیابی به هدف سیاست و آزادی خواهان که کارویژه آن‌ها دستیابی به هدف توسعه سیاسی است، واجد اهداف و کارکردهای متفاوتی می‌شوند که اگر درک درستی از این تفاوت‌ها و همچنین از نسبت این اهداف و کارکردها با یکدیگر نداشته باشند، بسترهای تبدیل این تفاوت‌ها به تعارض و برخورد را فراهم می‌نمایند». (وفائی، ۱۳۹۳: ۸۴)

«آزادی در خصوص عقیده، مردم یالاری، جامعه مدنی، حقوق انسانی و... از جمله مهمترین ارزش‌ها و آرمان‌های سیاسی موردتوجه آن‌ها بوده است اما به اهداف واقع‌گرایانه که بخشی از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر عرصه سیاست در دوران جدید است کاملاً بی‌توجه بوده‌اند. اهدافی مانند حاکمیت ملی، امنیت ملی، منافع ملی، وحدت و یکپارچگی ملی، همایش سرزمینی و به‌طورکلی مؤلفه‌های کلان‌قدرت ملی و سیاست جدید، یا جایگاه شایسته‌ای در تفکر و عمل آن‌ها نداشته است و یا به‌طور بی‌سابقه و متفاوت با جوامع مدرن، بسیار کم‌رنگ و ضعیف موردتوجه آن‌ها بوده است». (وفائی، ۱۳۹۳: ۸۸)

دوره جمهوری اسلامی مابین سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۲ دوره‌های متفاوتی را از حیات توسعه سیاسی تجربه کرده است. «این برهه زمانی را به پیروی از علمای سیاسی و تحلیلگران تاریخ معاصر ایران، از حیث توسعه سیاسی می‌توان به سه دوره مشخص تفکیک کرد: دوره اول که از بهمن ۱۳۵۷ (ایام پیروزی انقلاب اسلامی) شروع شده و به تیرماه ۱۳۶۰ (زمان برکناری نخستین رئیس‌جمهور) ختم می‌شود؛ دوره دوم که از سال ۱۳۶۰ آغاز گردیده و در سال ۱۳۷۶ (ایام انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری) پایان می‌یابد و بالأخره دوره سوم که از سال ۱۳۷۶ تا اسفند ۱۳۸۲ (ایام انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی) را در بر می‌گیرد». (عبداللهی و راد، ۱۳۸۸: ۴۵) در این دوره مشارکت سیاسی مردم و آزادی‌های فردی و گروهی به نحو چشم‌گیری رشد یافته استن «در این دوره به دلیل فعل شدن نیروهای سیاسی - اجتماعی جدید (روشنفکران) چالش جدید میان گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک و گفتمان دموکراسی و جامعه مدنی، وقوع جنبش دوم خرداد، روی کار آمدن رئیس‌جمهوری با راهبرد دموکراسی و توسعه سیاسی، گسترش فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی، توسعه ارتباطات اینترنتی، باز شدن فضای سیاسی و دلایل عدیده دیگر، توسعه سیاسی جایگاه بهتری یافت». (شهرام‌نیا، ۱۳۸۶: ۳۴۰) البته شایان ذکر است که دوره سوم را می‌توان تا سال ۱۳۸۴ و انتخابات ریاست جمهوری توسعه داد.

توسعه سیاسی در ایران در دوره‌های رئیس‌جمهوری احمدی نژاد وارد فاز جدیدی شده بود. در این دوره که فعالیت‌های هسته‌ای ایران با واکنش‌های بین‌المللی روبرو شده، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی وسیعی را به همراه داشته که باعث شده توسعه سیاسی در ایران با چالش مواجه شود و انزوا ایران را در محافل بین‌المللی شاهد باشیم. در دوره نخست ریاست جمهوری حسن روحانی، توسعه سیاسی دوران بهتری را تجربه کرده است؛ در این دوره با توافق کشورهای ۵+۱ با برنامه اقدام مشترک موسوم به «برجام» شرایط مساعدی برای توسعه سیاسی و مشارکت کشورمان در عرصه‌های بین‌المللی شاهد هستیم، هرچند سنگ‌اندازی‌ها و تحریم‌های ظالمانه آمریکا همچنان مانع اصلی در سر راه توسعه سیاسی ایران در عرصه بین‌المللی به شمار می‌روند.

در واقع سیاست مربوط به اقوام به معنی تدوین و اتخاذ و در دستور کار قرار دادن مناسب روابط در بین خود قومیت‌ها و قومیت‌ها با دولت با تاکید بر وظایف و اختیارات دو طرف و همچنین مشخص نمودن سازوکارهای تحقق آنها در راستای حفظ یکپارچگی با رعایت حقوق و تکالیف قومیت‌ها می‌باشد. این تعریف مشخص نموده است که اقوام می‌بایستی نظر و رویکرد خود را نسبت به موضوعات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مشخص نمایند. لذا این به معنای تنظیم روابط ملت با قومیت است که بر تعیین راهبردها و سیاست‌های رهبران در قبال اقوام است که ضمن مشخص نمودن اهداف داخلی بر روند سیاست خارجی تاثیر گذار بوده این موضوع زمانی برجسته می‌شود که رهبران سیاسی قومیت‌ها را از منظر فرصت یا تهدید نگاه نموده در چنین مسیری سیاست قومی به عنوان کاتالیزوری عمل نموده که در آن مدیران و سیاست‌گذاران را به هدایت موضوعات و تناقضات قومی در راستا جذب و نه دفع اقوام در راستای کسب حمایت آنها و همچنین ممانعت از پیوستن و همراهی اقوام با اپوزیسیون داخلی و خارجی وادار نمایند دولت چند قومیتی به دولت‌هایی اطلاق می‌شود که چند قوم در آن در کنار هم جمع شده و در یک قلمرو از طریق ساز و کارهای سیاسی مناسب جای داده‌اند. در این دولت‌ها سهم اقوام به نسبت گسترده و جمعیت و پیشینه قدرت طوری تنظیم می‌شود که تعلق خاطر آنها نسبت به قلمرو بر تعلق قومی پیشی گیرد (پیشگاهی فرد).

۲-۴- قوم گرایی:

امروزه نمی‌توان قوم گرایی را صرفاً از منظر فرصت در نظر گرفت بلکه این موضوع توأم با تهدیدات خاص خود می‌باشد به گونه‌ای که باعث می‌شود بیشتر مواقع کشورها با بحران روبه‌رو شده و این مسئله در قالب بحران هویت و قومیت مشکلات و تبعاتی از جمله خدشه بر وحدت و انسجام داخلی وارد نماید این مسئله زمانی شایان توجه است که درک کنیم تصور جهانی بدون در نظر گرفتن اقوام و قومیت‌ها تقریباً غیر ممکن است زیرا همواره تنوع و تکثر جزئی لاینفک از جوامع و حیات بشر به حساب آمده گرچه با گذر زمان و جهانی شدن و تلاش دولت‌ها در جهت اجرای سیاست‌های عدالت طلبانه تا حدودی چالش‌هایی قوم گرایی مهار شد اما این به معنای پایان آن نخواهد بود بلکه این قضیه امروزه نیز به عنوان منبع چالش، کشمکش و تضاد محسوب می‌شود که منجر به کشمکش‌ها و درگیری‌های خشونت بار شده و آسیب جدی به وحدت، یکپارچگی و اتحاد جوامع وارد نموده است.

۲-۵- مبانی و الگوهای سیاستگذاری قومی:

یکی از برجسته‌ترین موضوعات بسیار مهم در بحث اقوام و قومیت برقراری توازن و تعادل میان هویت و تعلقات ملی با قومی می‌باشد چرا که هویت و ملیت در ساختارهایی که دارای تنوع و تکثر قومی هستند از خرده نظام و انسجام قومیت‌ها کسب شده و حکمرانی مطلوب حکمرانی است که بتواند سیاست مناسبی را در حوزه اقوام و مدیریت آنها ارائه دهد این موضوع بعد از انقلاب در جامع ایران نیز رخ داده و تلاش دولت مردان همواره بر ایجاد وحدت، یکپارچگی، اتحاد و انسجام بوده است این مسئله مستلزم توجه به این نکته است که اگر چه در حوزه اقوام با تنوع سیاست‌ها روبه‌رو هستیم اما این تنوع و تکثر ذیل سیاست اجتماعی به وحدت می‌رسد بنابراین هدف از استراتژی قومیت، مدیریت و مهندسی اجتماعات در قالب و حوزه سیاست می‌باشد تا ضمن تقویت هویت ملی مسیر لازم برای وحدت فراهم آورد لذا در این راستا دولت‌ها مبادرت به اتخاذ سیاست‌هایی از جمله مهار تکثر گرایی قومی و هدایت آن به سمت وحدت، ایجاد فضای مناسب در جهت همزیستی اقوام مختلف در کنار هم، برقراری عدالت، تقسیم عادلانه امکانات، مشارکت دادن اقوام در امور سیاسی و اجتماعی و چرخش مناسب نخبگان در جامعه می‌نمایند لذا در نتیجه گیری از این بحث می‌توان بیان داشت که چنانچه سیاست قومی را مجموعه‌ای از راهبردهای دولت در جهت ایجاد روابط مناسب میان اقوام در سه لایه و حوزه قومی، بین قومی و اقوام با دولت و حکومت در نظر بگیریم آن وقت می‌توان بیان داشت که ماهیت استراتژی قومی را در سه الگوی عمده یعنی همانند سازی، تکثر گرایی و چند فرهنگ گرایی بررسی کنیم:

۲-۶- مدل همانندسازی:

عمدتها در این مدل بحث قبول و پذیرش ارزش‌ها، الگوها و فرهنگ گروه غالب از سوی گروه اقلیت یا همان گروه‌های قومی در یک کشور یا یک جامعه اطلاق می‌شود که به نوعی گروه قومی با گروه اکثریت یا همان گروه مسلط جذب و هضم می‌شود این در حالی است که عمدتا همانند سازی را بخشی از دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی به حساب آمده که فرایند و مکانیزم‌های این تغییرات توسط جامعه فراهم شده و پذیرش فرهنگی نوع و جدید این امکانیت را برای آنها فراهم نموده تا با قواعد و فرهنگ کلی و غالب به هارمونی برسند و در نهایت آن را بپذیرند در در نقطه مقابل همانند سازی مصالمت آمیز نوع خاصی دیگر وجود دارد که هویت‌ها و اصالت‌های دیگر نه تنها به حساب نمی‌آیند بلکه اقوام و قومیت‌های غیر دولتی پست و نابرابر محسوب می‌شوند در جمع بندی از این بحث می‌توان بیان داشت که همانند سازی عمدتا در دو بخش «فرهنگی» و «ساختاری» متکی می‌باشد در این راستا گوردون^۲ مراحل جذب گروه‌ها و همگون‌سازی اقوام با هسته مرکزی جامعه را در دو بعد فرهنگی و ساختاری، طی هفت مرحله می‌داند: (۱) همانندسازی فرهنگی؛ (۲) همانندسازی ساختاری؛ (۳) همانندسازی مادی؛ (۴) همانندسازی هویتی؛ (۵) همانندسازی ایستاری (بینشی)؛ (۶) همانندسازی رفتاری؛ (۷) همانندسازی مدنی.

۲-۸- مدل چندفرهنگ گرایی:

علاوه بر مدل‌های مطرح شده نوع دیگری از مدل وجود دارد که در واقع میکس دو مدل قبلی است یعنی در این مدل تلاش می‌شود هم همانند سازی پذیرفته شود و هم تفاوت‌های قومی را محترم شمارد این مدل که بیشتر توسط ویل کیملیکا به کار برده شده است تلاش دارد ضمن احترام به تفاوت‌ها در جامعه در نهایت نوعی وحدت را ارائه دهد یا به عبارت دیگر به نوعی وحدت برسد. آنچه زمینه لازم را برای ظهور و بروز این مدل را فراهم نمود ناکارآمدی مدل‌های قبل و ناتوانی آنها در حل چالش و بحران قومیت‌ها بوده است که بعد از جنگ جهانی دوم بخصوص سقوط روسیه شوروی و شکل‌گیری جنبش‌های قومی - ناسیونالیستی در شرق اروپا و همچنین تأثیرات جهانی شدن بر قومیت‌ها و در پی آن سیاسی کردن آنها روی داد. (Ommen, 1998).

در این مدل تأکید اساسی بر دو سطح است اولاً در سطح نخست بحث «حقوق شهروندی» مطرح است در این شرایط بحث حقوق شهروندی به عنوان یک حق فطری و طبیعی مطرح می‌باشد که که تنوع نژادی، رنگ، قومیت و مذهب جزء حقوق پایه و فطری است لذا بحث تک فرهنگ گرایی رد و یا مورد بازنگری قرار می‌گیرد و حقوق فرهنگی شهروندی نیز در تعریف شهروند ملی معیار اصلی محسوب می‌شود حقوق فرهنگی که در واقع ملاک مهمی برای حق متفاوت بودن اقوام در یک کشور محسوب می‌شود، شامل مجموعه‌ای از حقوق است که عبارتند از: حق دستیابی کامل به زبان و فرهنگ اکثریت؛ حق حفظ زبان و فرهنگ قومی؛ برابری آموزشی و حق ارتباط با سایر فرهنگ‌ها و حتی ارتباط بین‌المللی (کاستلر، ۱۳۸۲: ۲۶۳).

با بررسی مدل‌های فوق می‌توان به راحتی استدلال نمود که مدل چند فرهنگ گرایی مناسب جوامع با تنوع قومی از جمله ایران می‌باشد اما با این حال انتقاداتی نیز بر این الگو وارد می‌باشد از جمله کم‌رنگ شدن و به حاشیه راندن دولت ملی در این مدل، واقع گرایی آن را کاهش داده همچنین، این الگو روابط قدرت در جامعه را نادیده انگاشته و از توجه به نقش دولت برای تحکیم همبستگی ملی و تقویت فرهنگ ملی به ویژه

در جوامع در حال توسعه‌ای که هنوز نقش سلطه‌آمیز دولت در آنها پررنگ بوده و دولت نقش کنشگر فرهنگی را میان گروه‌های قومی ایفا می‌کند، غافل مانده است. در نهایت نیز می‌توان انتقاد نمود که این مدل با بها دادن به هویت های خرد و قومی زمینه ساز ظهور و بروز آنها را فراهم کرده و در نتیجه تضعیف فرهنگ ملی را در پی خواهد داشت که این موضوع می‌تواند تنش های قومی را برجسته سازد (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۰۳).

۳. پیشینه پژوهش:

کریمی مله (۱۳۹۶) در کتابی با عنوان *درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی تنوع قومی مسایل و نظریه ها*، این کتاب دارای دو بخش می‌باشد که قسمت اول به مسائل تنوع قومی و آثار و پیامدهای آن در حوزه سیاست و جامعه شناسی سیاسی اختصاص دارد. قسمت دوم شامل یک سلسله نظریاتی است که از منظر آنها، شکل‌گیری پویای قومی و یا سیاسی شدن قومیت مورد توجه و تبیین قرار گرفته است. نویسنده با اشاره به پرهیز از ورود مستقیم به مسائل ایران بیشتر تمرکز خود را بر مباحث نظری معطوف نموده است از جمله موضوعات متفاوت این کتاب طرح و نقد نظریات در حوزه جامعه شناسی سیاسی قومی می‌باشد.

احمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان *بررسی زمینه‌های همگرایی و واگرایی در میان اقوام ایرانی*. این پژوهش که به روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته است، ضمن معرفی اقوام عمده ساکن در کشور (آذری- کرد- لر- عرب- بلوچ - ترکمن) و بررسی آنها از منظر چهارچوب جغرافیایی، سیاسی، تاریخی و فرهنگی، در صدد است تا ضمن ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از واگرایی اقوام از بدنه اصلی ملت، پیشنهادهای نیز برای همگرایی هرچه بیشتر آنها با هم و با بخش مرکزی، ارائه کند.

شکری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای تحت عنوان *خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر همگرایی و واگرایی اقوام کرد ایران*.

نگارنده در مقاله خود تنوع قومی را از دو منظر تهدید و فرصت بررسی نموده و بر بعد تهدیدی آنها تاکید دارد بخصوص وقتی این تهدید برجسته می‌شود که توجه داشته باشیم اکثریت اقوام در مناطق مرزی ساکن بوده و نوعی تلاش گریز از مرکز در آنها نمود دارد که این موضوع می‌تواند بهانه لازم برای دشمنان در راستای بهره برداری از آنها را فراهم آورد چرا که مدل مختلط ایران در خصوص اقوام، مذاهب و زبان با هم متفاوت می‌باشند و قوم کرد یکی از اقوام ایرانی می‌باشد که از حیث مؤلفه‌های نامبرده همگونی با بخش مرکزی ندارند.

عسکری پورحبیب و دریایی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان *«تنوعات قومی فرصت یا تهدید»* روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی می‌باشد. این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش می‌باشد که چگونه می‌توان از تنوعات قومی به عنوان ابزاری جهت ایجاد وحدت ملیدر کشور استفاده کرد؟ لذا در پاسخ به این سوال فرضیه این گونه مطرح شده است که گسترش ناسیونالیسم قومی و احساسات آنها می‌تواند بر وحدت ملی گذشته وارد نموده هر چند با باز تعریف از ملیت گرایی می‌توان خطرات و تهدیدات آن را تقلیل داد که این امر از طرفی از جمله توجه به حقوق قومیت ها ، تلاش در جهت رفاه آنها از تنوعات قومی به عنوان سدی در مقابل تهدیدات منطقه‌ای و هویتی کشورهای منطقه استفاده کرد.

بدیعی (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان *عوامل تاثیرگذار بر همگرایی و واگرایی اقوام در ایران: مطالعه موردی، کردها*. در کشور ایران با ابعاد گسترده و متنوع قومیتی، زبان و توجه و تاکید بر ملت سازی مبتنی بر تمرکز گرایی خطراتی جدی را متوجه وحدت ملی کند به عنوان نمونه اقوام کرد متناسب با سیاست‌ها حکومت مرکزی هم نقش وحدت بخش و هم نقش جدایی طلب را توأمان داشته اند از این رو این مقاله با استفاده از رویکرد توصیفی- تحلیل تلاش دارد تا این دلایل همگرایی و واگرایی در میان اقوام کرد در ایران را مطالعه نماید

افضلی و همکاران (۱۳۸۷). در مقاله‌ی «تبیین اثرات جنگ ایران و عراق بر هویت قومی اعراب خوزستان» ، نتایج نشان می‌دهد اقوام عرب خوزستان همچون گذشته طی جنگ ایران و عراق در کنار سایر هم میهنان خود به دفاع از تمامیت ارضی ایران پرداخته و به رغم تصور رژیم عراق وفاداری آنها به ایران هرگز مورد انکار قرار نگرفت. جنگ تحمیلی هر چند باعث افزایش آگاهی هویت قومی اعراب ایرانی نسبت به هویت قومی خود گردید ولی بین هویت قومی اعراب ایرانی نسبت به هویت ملی شان همبستگی ایجاد نمود و نیروهای مرکزگرا را در میان آنها تقویت نمود. همچنین نتایج نشان می‌دهد که سطوح مختلف هویت قومی در بین اعراب (اجتماعی، تاریخی، سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی) رابطه معناداری دارند. هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب خوزستان هر کدام سطوحی خاص و متمایزی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد، به عبارت دیگر هویت قومی در مقابل هویت ملی قرار نمی‌گیرد.

بیژنی و عزتی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای با عنوان «کالبد شکافی جنبش‌ها و گروه‌های قومی در استان خوزستان» ، به تحلیل قومیت‌های ساکن در استان خوزستان پرداخته‌اند. لذا در این راستا ضمن تاکید بر مولفه‌هایی همچون تعداد کمی جمعیت، پتانسیل جغرافیایی و ژئوپولیتیکی، مذهب تشیع و مرزنشین بودن دارای موقعیت خاصی بوده از این رو همگرایی و احساس همزیستی با کشورهای همجوار از منظر وابستگی و تعلق سبب شده است تا در این زمینه دقت کافی مبذول شده و لذا راهکارهایی مبتنی بر موقعیت و وضعیت این استان و دولت مرکزی ارائه گردد و تاکید بر جنبه‌های مشترک اقوام این استان با دولت مرکزی امری الزامی به حساب می‌آید

۴. روش تحقیق:

در این مقاله جامعه هدف صرفاً در محیط واقعی مورد مطالعه قرار می‌گیرند، لذا پژوهش حاضر یک تحقیق توصیفی با زمینه پیمایش میدانی و به صورت مقطعی می‌باشد. جامعه آماری تحقیق کارشناسان و جامعه شناسان (خبرگان) فعال در منطقه خوزستان و آشنا به فرهنگ و خصوصیات محل می‌باشد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شده و از تعداد ۱۰۰ نفر پرسش‌ها انجام می‌گیرد. نوع تحقیق از جمله تحقیقات کاربردی و به صورت توصیفی-تحلیلی از طریق ابزار مصاحبه‌های نیمه باز از خبرگان استان خوزستان صورت پذیرفته است.

۵. یافته‌های تحقیق:

در مطالعات میدانی در جهت سنجش سیاست و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام مطالعه موردی استان خوزستان (۸۴-۱۳۹۶) که شامل دو دولت با ساختارهای اصول گرا (ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد) و ساختارهای اصلاح طلب (ریاست جمهوری دکتر روحانی) در دوبازه زمانی هشت ساله می باشد از خبرگان و مدیران استان خوزستان که شامل مدیران اجرایی، اساتید دانشگاهی، اقتصاددانان، معاونان شهرداری ها، بزرگان و ریش سفیدان اقوام استان خوزستان سوالات پرسشنامه مورد نظر به بونه پرسش قرار گرفته است در این بخش به بررسی ویژگی های جمعیت شناختی و مشخصات دموگرافیک این افراد می پردازیم.

جدول ۱- مولفه های دموگرافیک خبرگان تحقیق

مولفه دموگرافیک			
جنسیت	مرد	زن	
	۵۶	۴۴	
وضعیت تاهل خبرگان	مجرد	متاهل	
	۵۸	۴۲	
وضعیت سنی خبرگان	۳۰-۴۰ سال	۴۰-۵۰ سال	بیشتر از ۵۰ سال
	۲۴	۵۰	۲۶
وضعیت تحصیلی	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری
	۵۵	۲۸	۱۷
سمت کاری خبرگان	بزرگان قبایل و اقوام	مدیران اجرایی	اساتید دانشگاهی
	۵۵	۲۸	۱۷

۱-۵- معرفی دولت آقای احمدی نژاد:

ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد در ۱۲ مرداد ۱۳۸۴ آغاز شد و او ششمین رئیس جمهوری اسلامی ایران شد. او هنگام پیروزی بر اکبر هاشمی رفسنجانی در انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۴)، شهردار تهران بود. او در پی انتخابات ریاست جمهوری ایران (۱۳۸۸) برای بار دوم به ریاست جمهوری رسید احمدی نژاد در ۱۲ مرداد ۱۳۹۲ قدرت را ترک کرد و حسن روحانی به ریاست جمهوری رسید. در طول هشت سال ریاست جمهوری دولت دکتر احمدی نژاد تدابیر و استراتژی های بسیاری در رابطه با اقوام ایرانی پیاده سازی و اجرا گردید که بعضا دارای نقاط قوت و ضعف زیادی بوده اند برای بررسی دقیق تر این سیاست ها پرسش های مطرح شده را در قسمت بعد که توسط خبرگان مورد ارزیابی قرار گرفته است را تجزیه و تحلیل نموده ایم.

۲-۵- عملکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام مطالعه موردی استان خوزستان در دولت دکتر

احمدی نژاد:

۲-۵-۱- نگرش های مبتنی بر قوم گرایی:

با توجه به اطلاعات به دست آمده از نظر سنجی خبرگان مشخص گردیده است که در طول دوران ریاست جمهوری دکتر محمود احمدی نژاد نگرش‌های قومی نتوانسته پاسخگوی نیازهای استان می باشد و بیش از ۵۰ درصد از خبرگان تاثیر نگرش‌های قومی برای پاسخگویی به نیازهای استانی را بسیار کم دانستند که این نشان دهنده مطلوبیت پایین دوران ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد و تاثیر آن بر نگرش‌های قومی از اقوام خوزستان می باشد. با توجه به تعدد اقوام موجود در استان خوزستان بایستی در دوران ریاست جمهوری اصولگرایان و به خصوص دکتر احمدی نژاد به نگرش قومی در جهت دسترسی به عدالت و تحقق اهداف ملی اهمیت بیشتری نشان داده می شد.

۵-۲-۲ شایسته سالاری:

در رابطه با میزان شایسته سالاری در دوران ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد ۷۱ درصد از خبرگان اعتقاد داشته‌اند که توجه به این مقوله در کمترین میزان خود قرار گرفته است و طبیعتاً مانعی در جهت رسیدن به اتحاد ملی را در بین اقوام خوزستان فراهم کرده است. در این بازه زمانی تنها ۱۹ درصد از خبرگان وجود شایسته سالاری را در اقوام تایید کردند که مسلماً وضعیت نامطلوبی را از حیث نشان دادن شایسته سالاری در بین اقوام غنی و بزرگ خوزستان را نشان می دهد. یادآوری این نکته کاملاً منطقی به نظر می رسد که هر چقدر شایسته سالاری در بین اقوام ایرانی در مرتبه بالاتری قرار بگیرد حس اتحاد ملی و میهن پرستی به درجات بالاتر رسیده و انحرافات همچون جدایی طلبی و سیاسی گری را از بین اقوام دور می نماید.

۵-۲-۳ سطح امنیت اجتماعی:

امنیت اجتماعی از مولفه‌های بسیار با اهمیت در جهت حفظ امنیت ملی می باشد با توجه به اطلاعات بدست آمده در دولت دکتر احمدی نژاد ۵۲ درصد است افراد خبره اعتقاد داشتند که میزان امنیت اجتماعی اقوام در سطح بسیار کم و نامطلوب قرار دارد که نشان دهنده کاستی‌های سیاست‌های دولت جناب آقای دکتر احمدی نژاد در قبال اقوام استان خوزستان می باشد. باید یادآور شد که حس امنیت اجتماعی به خصوص در استان‌های مرزی ایران و یا هر کشور دیگری در دنیا می تواند به امنیت ملی یک کشور کمک دوچندانی نمایند بر همین اساس می باشد که ایجاد امنیت اجتماعی در استان‌های مرزی و به خصوص استان خوزستان که دارای اقوام متعدد با آداب و رسوم و فرهنگ‌های متفاوت می باشند امنیت اجتماعی یکی از پررنگ‌ترین عوامل ایجاد اتحاد ملی در جهت همگرایی با دولت مرکزی را رقم می زند.

۵-۲-۴ ایدئولوژی (مذهب شیعه) در دولت دکتر احمدی نژاد :

ایدئولوژی همواره در بین اقوام استان خوزستان از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است به طوری که با وجود مذاهب شیعه و سنی و اختلاف نظرهای به وجود آمده در سال‌های گذشته کاهش این اختلافات عاملی جهت اتحاد ملی محسوب می شود. در دولت دکتر احمدی نژاد ۴۲ درصد از افراد مورد سنجش قرار گرفته که خبرگان میباشند منتقد کارایی در امر اتحاد اقوام از نقطه نظر ایدئولوژی را داشتند اما ۳۷ درصد نیز وضعیت و استراتژی ایدئولوژی اقدام را توسط دولت اصولگرای دکتر محمود احمدی نژاد مناسب دانستند در بحث ایدئولوژی بایستی اذعان داشت که در بین پرسش‌شونده‌ها و خبرگان نیز پایایی چندان زیادی وجود ندارد

زیرا بعضی از اشخاص پرکننده پرسش‌ها را سنیان و بعضی از افراد را شیعیان تشکیل می‌دهند بر همین اساس ایدئولوژی در بین اقوام یک بحث ناتمام و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

۵-۲-۵ مدیریت سیاسی استان خوزستان:

مدیریت سیاسی می‌تواند عدالت را تا میزان قابل توجهی در بین این اقوام توزیع کند در استان خوزستان با توجه به تنوع اقوام متعددی که وجود دارد مدیران سیاسی که در دولت‌های مختلف بر سر کار آمده‌اند ممکن است که از قبیل‌های خاص و اقوام خاصی بوده باشند و باعث شده باشند که بسیاری از منافع به سمت اقوام و اقلیت‌های خود رانده شود اما برای توزیع عادلانه مدیریت سیاسی در سطح استان بایستی از هرگونه همگرایی و بومی‌گری دوری جست. در دولت دکتر احمدی نژاد ۳۲ درصد از افراد منتقد عدم وجود مدیریت سیاسی مناسب در سطح اقوام استان خوزستان بوده‌اند این در صورتی است که ۴۲ درصد از خبرگان مدیریت سیاسی را در وضعیت مطلوبی دانسته و وجود عدالت از این منظر در بین اقوام را در سطح بالایی رای و نظر داده‌اند به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که در طول دوره هشت ساله ریاست جمهوری دکتر احمدی نژاد مدیریت سیاسی حدوداً در جایگاه متوسطی از نظر توزیع عدالت قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری:

هر چند استان خوزستان از استان‌های برخوردار کشور در زمینه‌ی ثروت‌های طبیعی محسوب شده و بخش قابل ملاحظه‌ای از نیازهای کشور از طریق این استان پاسخ گفته می‌شود، اما متأسفانه این منابع ثروت و درآمدهای قابل ملاحظه آن، بواسطه نبود برنامه‌ای جامع برای توسعه استان چه در دولت‌ها، ضعف بدنه مدیریتی و جنگ ۸ ساله با عراق، نه تنها در راستای توانمندسازی، فقر زدایی و ایجاد اشتغال برای ساکنین بومی به کار گرفته نشده بلکه خود به مانعی در مسیر توسعه پایدار و همه‌جانبه‌ی استان تبدیل شده است. تمرکز صرف بر استخراج ذخائر نفتی و گازی و نادیده گرفتن و یا ناچیز انگاشتن سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از سایر فرصت‌های موجود نه تنها مسائل اقتصادی عدیده‌ای از قبیل نرخ بالای بیکاری و مهاجرت را رقم زده بلکه فرصت باروری سایر حوزه‌ها و استفاده از پتانسیل‌های موجود را گرفته است؛ از آن جمله می‌توان به عدم سرمایه‌گذاری در صنعت گردشگری علی‌رغم ظرفیت‌های بی‌شمار استان، آسیب‌های محیط زیستی جبران‌ناپذیر، بی‌توجهی به کسب دانش و تکنولوژی در زمینه‌ی انرژی‌های تجدیدپذیر، وجود عدم تعادل‌های چشمگیر در مناطق جغرافیایی از نظر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد. به طور کلی می‌توان این‌گونه بیان کرد که برنامه‌های ملی با تأکید بر ذخائر طبیعی خاص استان بدون توجه به پیامدهای آن و در مواردی در تضاد قرار گرفتن برنامه‌های استان و برنامه‌های کشور که ناشی از ضعف نگاه مدیریتی کارآمد و یکپارچه است روند رشد و توسعه‌ی استان را مختل نموده‌اند و به نوعی زمینه‌ی نارضایتی قومی را که با توجه به موقعیت استراتژیک استان و وجود برخی تحرکات بیرونی می‌تواند ابعاد سیاسی و امنیتی قابل ملاحظه‌ای را بیابد فراهم آورده‌اند.

- عزیزی، ستار (۱۳۸۵). حمایت از اقلیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همدان: انتشارات نور علم.
- گودرزی، حسین (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- معین، محمد (۱۳۹۱). فرهنگ فارسی، چاپ چهلم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- برتون، رولان (۱۳۸۰). قوم‌شناسی سیاسی، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- اخوان کاظمی، بهرام، امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: ۱۳۸۵، کانون اندیشه جوان، چاپ اول.
- اسماعیلی، رضا، سرمایه اجتماعی و اهداف سند چشم‌انداز توسعه ایران، ۱۳۸۵، مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- باری، بوزان، مردم دولتها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاج یک، محمدرضا انتظام در پراکندگی بحثی در امنیت ملی ایران: ۱۳۷۷، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره دوم.
- دادگر، یدالله و رو حالله نظری، بررسی شاخص فساد مالی در ایران و کشورهای برگزیده جهان: ۱۳۸۸، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۶۴.
- رضائیان، علی، ایجاد و استقرار مدل چشم‌انداز سازمانی در پرتو چشم‌انداز نظام ج. ا. ۱۰: ۱۳۸۴، فصلنامه دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸ و ۹.
- رضایی میرقائد، محسن و علی مبینی دهکردی، ایران آینده در افق چشم‌انداز: تهران، ۱۳۸۵، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- روحانی، حسن، امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران، ۱۳۸۵: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- روضه الواعظین، القتال النیشابوری.
- زالی، علیرضا، دیدگاه‌های بهداشتی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور: تهران، ۱۳۸۵.
- سیف‌زاده، سید حسین، اصول روابط بین‌الملل: تهران، ۱۳۸۰، نشر میزان.
- طباطبایی سید محمدحسین، تفسیر میزان، جلد هشتم، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، قم، ۳۷۰: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم.
- عباس‌زاده، هادی و کامران کرمی، سرمایه اجتماعی و امنیت ملی پایدار، ۱۳۹۰، فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۵۱.
- عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد سوم، تهران، ۱۳۷۹: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم.
- قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور، تهران ۱۳۸۹: مؤسسه نشر شهر.
- مطهری، مرتضی، سیری در نهج البلاغه از مجموعه آثار، جلد ۱۶، تهران، انتشارات صدرا.
- سند چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی « (مهدی پور، حسین) زمستان 1384

نهج البلاغه، ترجمه دکتر سید جعفر شهیدی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۴: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۸۶: سازمان چاپ و انتشارات بدرقه جاویدان. آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی تهران، ۱۳۷۸، انتشارات مروارید.

افتخاری، اصغر، نبود سرمایه اجتماعی و تأثیر آن در امنیت، سایت www.aftab.ir افتخاری، علیرضا، ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی، تهران ۱۳۸۴، نشر گلیویه بوزان، باری، تأمین اجتماعی، مشهد، ۱۳۸۷، دانشگاه امام صادق (ع)

بیل، مک سوییتی ترجمه علیرضا طیب، هویت و امنیت، ۹۰/۹/۱۶، www.csss.ir پورهایمی، سید عباس، احساس امنیت و حقوق شهروندی، تهران، ۱۳۸۲، نشریه پگاه شماره ۱۳۵. دارابی، علی، نگاهی نو به مقوله امنیت در جمهوری اسلامی ایران، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۶.

سالار، محمد، مؤلفه‌های امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)، مجله اندیشه، شماره ۶، سایت www.tebyan.net ۹۱/۱۰/۶.

ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹، ص ۲۰. عبدالمحمدی، حسین، تأثیر فساد مالی بر امنیت ملی، فصلنامه معرفت، شماره ۵۲. عمید، حسن، فرهنگ عمید.

معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، ۱۳۶۳، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم. میرسندهی، سید محمد، تحلیل جامعه شناسی امنیت در ایران با تأکید بر رویکرد تاریخی، تهران، ۱۳۹۰، سایت www.csss.ir.

نویدنیا، منیژه، امنیت اجتماعی، تهران، ۱۳۸۸، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مقالات

شریف‌پور، حامد (۱۳۸۷). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان کرد، مطالعات ملی، س ۹، ش ۱، صص ۸۹-۱۱۵.

میرزایی، سیدآیت‌الله (۱۳۹۶). ناسیونالیسم و قومیت در ایران، مجله جامعه شناسی ایران، دوره هجدهم، شماره ۱، صص ۳۲-۶۸.

علایی، حسین، امنیت پایدار در سند چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران، نشریه آفاق امنیت، شماره ۱۵.

کریمی، زهرا، پابندی به اهداف سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۶، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۴۰.

مختارزاده، علیرضا، سلسله مقالات قومیت شناسی امنیتی، ماهنامه سخن آشنا، ۱۳۸۳، شماره ۸ و ۱۰.

ایران به روایت رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳۸.

نصیری، حسین، امنیت ملی پایدار، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ۱۳۸۴ شماره ۲۱۵.

The Greco-Bulgarian Communities Case, for full text see: [http:// www. World courts. com/pcij/eng/decisions/1930.07.31_grecobulgarian](http://www.Worldcourts.com/pcij/eng/decisions/1930.07.31_grecobulgarian).

Dennis Wrong, (1994), The Problem of Order, Cambridge Harvard University.

D. Klaus, (2000), Geopolitics in a Changing World, London: Prentice Hall.